

# تحول اخلاقی و دیگر دوستی نوجوانان

## «سرآمد» و «عادی»

پایان نامه کارشناسی ارشد: نوراله محمدی، استاد راهنما: دکتر پریخ دادستان  
دانشگاه تربیت مدرس - گروه روانشناسی، استاد مشاور: دکتر محمود منصور

### چکیده

«دیگر دوستی»<sup>۱</sup> که در بطن رفتارهای اجتماعی «اجتماعی گرا»<sup>۱۶</sup> قرار دارد، نوعی احساس انسان دوستی و فضیلت توأم با هیجان است که گاهی در فرد ظاهر می‌گردد تا دیگران را از توان مادی و معنوی خود، بدون هیچ چشمداشتی بهره‌مند سازد. در این پژوهش، از بین دو جامعه تحقیق دانش آموزان دوم راهنمایی، اول و سوم دبیرستان مدارس دولتی و سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان در تهران، دو گروه دانش آموز عادی (۱۲۰ نفر، ۶۰ پسر و ۶۰ دختر) و سرآمد (۱۲۰ نفر، ۶۰ پسر و ۶۰ دختر) بطور تصادفی انتخاب شده‌اند. در این پژوهش از ابزارهایی چون فرم «ب» از مقیاس «دو» آزمون هوش «کتلی» و فرم «ب» «تست تحول اخلاقی» «ما»<sup>۱۲</sup> استفاده گردیده است. با این همه، نتایج این پژوهش نشان دادند که عواملی چون «هوش»، «موقعیت‌ها»، «روابط انسانی»<sup>۷</sup> و «تحول اخلاقی»<sup>۱۴</sup> در سطح گرایش «دیگر دوستی» تاثیر دارند.

کلید واژه‌ها: دیگر دوستی، اجتماعی گرا، تحول اخلاقی، سرآمد، نوجوان

○

○

○

### ● مقدمه

با استناد به مجموعه پژوهش‌هایی که در علوم مختلف صورت گرفته، هنوز نمی‌توان گفت که نظریه‌های علمی از پیش‌بینی‌های فلسفی آزاد بوده‌اند. بنابراین، تفکرات و مفاهیم فلسفی نقش نهفته مهمی را در حوزه‌های علمی، به خصوص علوم انسانی که اخلاق در قلمرو آن قرار دارد ایفا می‌کنند.

بدین ترتیب، هرگاه سخن از تفحص فلسفی محض به میان می‌آید. حاصل آن هنجارها، اصول و ارزش‌هایی هستند که عالم به اخلاق، با آنها سر و کار دارد. در این صورت است که ترکیب سازمان یافته و با هدف آنها منجر به ایجاد «نظریه اخلاقی» در سطح فلسفی می‌گردد. در مقابل این گونه بررسی اخلاق، بررسی علمی اخلاق به گونه تجربی واقع شده است. در این وضع. پژوهشگر با روش‌ها، داده‌ها و نتایج مواجه است. بدیهی است که جمع بندی این نتایج واجد اعتبار، به ایجاد «نظریه اخلاقی» در سطح علمی منتهی خواهد شد (کارتینز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰).

در سالهای اخیر، پژوهشگران زیادی در سراسر دنیا به تحقیق و بررسی علمی اخلاق روی آورده‌اند. گرچه هنوز، نظریه علمی قطعی در این باره به چشم نمی‌خورد، اما آنها توانسته‌اند داده‌ها و نتایج مهمی را به دست دهند و راه را برای محققان بعدی هموار ساخته و زمینه را برای دستیابی به «نظریه علمی» در قلمرو اخلاق مساعد سازند.

### ○ گرایش دیگر دوستی<sup>۱</sup>

در اساس «رفتارهای اجتماعی گرا» آن گونه رفتارهایی هستند که در نفس خود با ایثار، سخاوت، امدادگری، کمک‌دهی و یا

گذشتن از جان مرتبط‌اند. «دیگردوستی» که در بطن رفتارهای اجتماعی گرا قرار دارد، نوعی احساس انسان دوستی و فضیلت توأم با هیجان است که گاهی در فرد ظاهر می‌گردد تا دیگران را از توان مادی و معنوی خود، بدون هیچ چشمداشتی بهره‌مند سازد. «راشتون»<sup>۱۸</sup> (۱۹۸۰) معتقد است که: «دیگردوستی عبارت است از پاره‌ای رفتارها که در نوع خود با ارزش هستند و در عین حال که برای دیگران بیشتر مفید فایده‌اند، هیچ‌گونه پاداش مادی و یا اجتماعی برای شخص دیگر دوست به دنبال ندارند.»

با این همه، به نظر می‌رسد که چنین رفتارهایی فاقد انگیزه‌های درونی روشن هستند، اما یک ردیف انگیزه درونی وجود دارند که سبب می‌گردند تا شخص دست به رفتارهای دیگر دوستانه بزند: تایید دیگران، تقلیل اضطراب و نگرانی حاصل از مشکلات دیگران، جبران لطف و احسان دیگران، کاهش احساس گناهکاری، ترس از شکست و درماندگی و افزایش اعتبار خود نزد دیگران (پرای<sup>۱۹</sup> و دیگران، ۱۹۸۴).

افزون بر این، همدردی که نوعی تجربه هیجانی است در مطالعه رفتارهای اجتماعی گرا، به خصوص دیگر دوستی، یک فکر مهم و اساس محسوب می‌شود. در این صورت هم احساسی و همدردی از جمله انگیزه‌های روشن گرایش‌های دیگر دوستانه قلمداد می‌شوند. در واقع، می‌توان گفت، وقتی یک حالت هیجانی همدردی بین دو شخص «الف» و «ب» بوجود می‌آید که شخص «الف» احساسات خود را با احساسات شخص «ب» جور نماید. این جور نمایاندن هیجان، می‌تواند بطور مستقیم بر اثر علائم خاصی که شخص «ب» که در حالت استیصال است، ناشی شده باشد و یا با واسطه آگاهی هشیارانه شخص «الف» از وضعیت استیصال شخص «ب» بوجود آید. به نظر می‌رسد که این گونه تجربه‌های هیجانی بین نوزادهای انسان و یا در حیوانات بر اساس علائم مستقیم بوجود می‌آیند (راشتون، ۱۹۸۰).

با این حال، در پژوهش‌های متعددی «بارتال»، (۱۹۷۶)، «باراش» (۱۹۷۷) «لیدنز»، (۱۹۶۳) به نقل از «ما» (۱۹۹۲) که در مورد گرایش دیگر دوستی صورت گرفته، معیارهایی نیز برای تعیین حدود رفتار دیگر دوستانه به دست داده شده‌اند:

الف) عدم چشمداشت به پاداش.

ب) ارزشیابی مثبت دیگران از آن رفتار.

د) رساندن فایده، که واجد سه شرط اساسی است:

۱. تسهیل در تحول شناختی، اجتماعی و عاطفی و حصول به مهارت‌های اجتماعی.

۲. افزایش رضامندی در نیازهای بنیادی روانشناختی، مانند نیازهای فیزیولوژیکی، ایمنی، تعلق پذیری، عشق، خود تحقق دهی و حرمت خود.

۳. کمک به حفظ و استقرار هیجان.

روشن است که بین انسان‌ها روابط و مبادلات زیادی صورت می‌گیرد و ادامه حیات انسان مستلزم وجود چنین روابط پیچیده و متنوعی است. «ما» (۱۹۹۲) معتقد است که روابط انسانی در گرایش دیگر دوستانه تاثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر، دیگر دوستی در روابط انسانی از سلسله مراتب خاصی پیروی می‌کند:

- مرتبه اول: بستگان درجه اول و خویشاوندان نزدیک.

- مرتبه دوم: دوستان صمیمی.

- مرتبه سوم: غریبه‌ها، غریبه‌های سالخورده و ضعیف یا کودکان خردسال و همچنین بزرگان علمی و مذهبی جامعه.

- مرتبه چهارم: غریبه‌های عادی و رهگذر.

- مرتبه پنجم: دشمن یا شخصی که ایجاد تنفر می‌کند.

این مراتب، به خوبی نشان می‌دهند که میزان و جهت روابط با یک فرد خاص را با توجه به سلسله مراتب روابط انسانی می‌توان مشخص کرد. در واقع، به نظر می‌رسد که آن فرد جزء گروه مرتبه اول باشد، جهت و میزان رابطه دیگر دوستی، مثبت و در حداکثر است. اما با توجه به نتایج این پژوهش‌ها می‌توان دو نکته اساسی را روشن ساخت:

□ در وهله اول میزان و جهت روابط، به درجه وابستگی ژنتیکی ارتباط دارد. زیرا، احتمال «رفتار دیگر دوستانه» نسبت به

افرادی که از لحاظ ژنتیکی در مرتبه اول قرار دارند، به مراتب بیشتر است تا نسبت به افراد مرتبه پنجم. □ صرف نظر از پایه ژنتیکی، شباهت و زمینه اجتماعی یکسان می‌تواند به علاقه و دوستی دو طرفه و نهایتاً «اعمال دیگر دوستانه» بیشتر منتهی گردند.

### ○ تحول اخلاقی

در سطح نظری، دیدگاه‌های متعددی وجود دارند که هر کدام کنش خاصی از اخلاق را مورد توجه قرار داده‌اند. دیدگاه یادگیری که عمدتاً به بررسی رفتارهای اخلاقی آشکار پرداخته است، فرآیندهای یادگیری «تنبیه»، «پاداش» و «تقلید» از الگو را اساس شکل‌گیری رفتار اخلاقی فرض می‌کند. از دیدگاه گروه اجتماعی، از یکسو رفتار اخلاقی تابع فشارهایی است که از سوی اعضای گروه به فرد وارد می‌آید تا به شیوه خاصی رفتار کند و از سوی دیگر تابع نقش و مقامی است که فرد به صورت ارادی و یا اجباری بر عهده دارد. از زاویه «روان تحلیل‌گری»، پایگاه «فرامن»<sup>۲۰</sup> که بعد از پایگاه‌های «بن»<sup>۱</sup> و «من»<sup>۳</sup> ظاهر می‌گردد، بنیان وجدان اخلاقی را تشکیل می‌دهد. در نهایت از دیدگاه «شناختی-تحولی‌نگر»، تحول اخلاق که ناشی از تقابل فرد و محیط است در راستای عوامل اجتماعی، عاطفی و شناختی قابل تبیین است. بدیهی است که نظام‌های اخلاقی «پیازه» و «کهلبرگ» در این چارچوب نظری به بررسی جنبه شناختی اخلاق، یعنی قضاوت و یا استدلال اخلاقی پرداخته‌اند.

اخیراً، براساس کار «توما»<sup>۲۱</sup>، «وست»<sup>۱۷</sup> و دیگران (۱۹۹۱)، پژوهشهایی که توسط «ما»<sup>۱۲</sup> به منظور بررسی تحول قضاوت اخلاقی انجام گرفته‌اند، سطوح و مراحل اخلاق در نظام «کهلبرگ»، در چهار سطح زیر، گروه‌بندی شده است:

۱. سطح پیش قراردادی (مرحله اول و دوم کهلبرگ).
  ۲. سطح انتظارات متقابل، نسبییت‌ها و عدالت بین فردی (مرحله سوم کهلبرگ).
  ۳. سطح وجدان و اصول اجتماعی (مرحله چهارم کهلبرگ).
  ۴. سطح پس قراردادی (مرحله پنجم و ششم کهلبرگ).
- بر این اساس وی توانسته است، ارتباط تحول اخلاقی را با عوامل اجتماعی گرا، روابط انسانی و گرایش دیگر دوستانه بررسی کرده، و نتایج جالب توجهی را ارائه دهد.

### ● سوابق تحقیق

از زمانی که نظام اخلاقی «پیازه» پایه ریزی شده، و آنگاه که کهلبرگ آن نظام را بسط داده است، پژوهش‌های متعددی در قلمرو اخلاق به شیوه علمی انجام شده‌اند. این پژوهش‌ها، عملاً در حد خطوط کلی حول سه محور عمده متمرکز شده‌اند:

#### الف - پژوهش‌های مبتنی بر کنش رفتار اخلاقی

هر چند این پژوهش‌ها از لحاظ زمان شناختی بعد از پژوهشهایی که بر جنبه‌های شناختی تاکید داشته، انجام شده‌اند، اما اندیشه انجام این پژوهش‌ها در زمینه رفتار اخلاقی، ریشه در تفکر پژوهشگرانی دارد که از یکسو انتظار ندارند بین رفتار و قضاوت اخلاقی ارتباط وجود داشته باشد، بنابر این، در جستجوی عامل تعدیل‌کننده‌ای هستند که براساس آن این دو کنش اخلاقی را به یکدیگر نزدیک سازند از سوی دیگر، پژوهشگرانی سعی داشته‌اند، صرفاً به بررسی رفتار اخلاقی بپردازند بنابر این پژوهش‌های متعددی (توما و دیگران، ۱۹۹۱؛ فارنهایم، ۱۹۸۸؛ «بن‌دورا»<sup>۲</sup>، ۱۹۶۹، «میشل»<sup>۱۳</sup> و دیگران، ۱۹۷۶ و ...) در مورد کنش رفتاری اخلاق انجام شده‌اند که کوشش کرده‌اند، برای تبیین اخلاق به رفتار آشکار متوسل شوند. افزون بر این پژوهش‌های متعددی (اکرمی، ۱۳۷۱؛ کولگان و دیگران، ۱۹۸۱ و ...) نیز در زمینه رفتارهای بزهکارانه و ضد اجتماعی به عنوان رفتارهای غیر اخلاقی انجام شده‌اند تا از این رهگذر، برای رفتار اخلاقی تبیینی حاصل شده باشد.

نتیجه آنکه، علیرغم تعدد تحقیق‌هایی که ذکر آنها رفت، نمی‌توان گفت که پیوستگی بین رفتار و استدلال اخلاقی، کامل است، بلکه آنچه مهم به نظر می‌رسد توجه به عوامل بنیادی است که به منزله عوامل تعدیل‌کننده بین این دو کنش نقش اساسی

ایفا می‌کنند تا روابط مستحکم تر گردد.

#### ب - پژوهش‌های مبتنی بر جنبه‌های شناختی اخلاق

نخستین پژوهش‌هایی که توسط پیازه (۱۹۳۲) و سپس کهلبرگ (۱۹۶۹) انجام شده، به ارایه دو نظام اخلاقی منجر گردیده‌اند. نظامی که در آن از یکسو اخلاق حاصل تعامل ذهن فرد و محیط به معنای وسیع کلمه است و از سوی دیگر به جنبه‌های اجتماعی و عاطفی سخت وابسته است. با این حال، براساس نتایج پژوهش‌های متعددی (لی<sup>۱۱</sup>، ۱۹۷۱، فینگر<sup>۱۲</sup> و دیگران ۱۹۹۲، والکر<sup>۱۳</sup> و دیگران، ۱۹۹۱؛ کیزی<sup>۹</sup> و دیگران، ۱۹۷۴؛ هافمن<sup>۶</sup>، ۱۹۷۰؛ رست<sup>۱۷</sup>، ۱۹۷۹؛ ما، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳) که در مورد کنش شناختی اخلاق یعنی قضاوت و استدلال اخلاقی انجام شده‌اند، می‌توان گفت:

- سطح استدلال اخلاقی و افزایش سن با یکدیگر مرتبطند.
- تاثیر ساخت‌های شناختی و هوش در تحول قضاوت اخلاقی مسلم است.
- شرکت در فعالیت‌های گروهی و اجتماعی، پذیرش نقش و حل مسایل گروه بر تحول اخلاقی نقش پر اهمیتی ایفا می‌کنند.

#### ج - پژوهش‌های مبتنی بر کنش عاطفی اخلاق

در واقع، این گونه پژوهش‌ها از یک طرف به جنبه‌های عاطفی، احساسی، همدردی، دیگر دوستی و در کل بر رفتارهای اجتماعی گرا تاکید داشته‌اند و از طرف دیگر پژوهش‌های متعدد دیگری نیز انجام شده‌اند که بر دو جنبه یا بیشتر از کنش‌های اخلاقی تمرکز داشته‌اند. به عبارت دقیق‌تر پژوهش‌هایی که در جستجوی ارتباط دو کنش مهم اخلاقی یعنی کنش شناختی و عاطفی آن انجام شده‌اند. در این راستا سعی پژوهشگران بر این بوده است تا رابطه دیگر دوستی و قضاوت اخلاقی را مورد بررسی قرار دهند.

براساس نتایج این تحقیقات (ایگلای و کرولی، ۱۹۸۶، استاب<sup>۱۹</sup> و دیگران، ۱۹۷۵؛ راشتون، ۱۹۸۰؛ هریس<sup>۲۰</sup>، ۱۹۷۶، ماواننگ<sup>۲۱</sup>، ۱۹۹۲؛ ما، ۱۹۸۵ a، ۱۹۸۵ b، ۱۹۸۵ c، ۱۹۹۳ a، ۱۹۹۳ b) می‌توان گفت:

- اکثر محققان، بر این نکته اتفاق نظر دارند که موقعیتهای مختلف، سطح گرایش دیگر دوستی را دگرگون می‌سازند.
- وجود یک شخصیت دیگر دوست که بتواند در تمام موقعیت‌ها، گرایش دیگر دوستانه یکسانی از خود بروز دهد، مورد تایید قرار نگرفته است.
- در مورد اینکه دیگر دوستی با سن افزایش می‌یابد، یافته قاطعی در دست نیست.
- نوع وجهت تعامل بین فردی، یعنی سلسله مراتب روابط انسانی، سطح گرایش دیگر دوستی را دستخوش تغییر قرار می‌دهند.
- اکثر مؤلفان معتقدند، عوامل فرهنگی-اجتماعی نقش پر اهمیتی در افزایش سطح دیگر دوستی ایفا می‌کنند.
- سطح قضاوت اخلاقی و گرایش دیگر دوستی در ارتباط مثبت با هم هستند.

#### ● فرآیند روش شناختی

از جمله هدف‌های عمده این پژوهش، مشخص کردن «تحول اخلاقی» و دیگر دوستی نوجوانان سرآمد و عادی است، همچنین هدف این پژوهش بررسی عوامل متعددی همچون، «هوش»، «موقعیت‌ها»، «روابط انسانی»<sup>۷</sup> و تحول اخلاقی در «دیگر دوستی»<sup>۱</sup> است بنابر این فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱. گونه‌های مختلف موقعیت‌ها که مستلزم نوع خاص «دیگر دوستی» است، بر «سطح گرایش دیگر دوستی» اثر معنادار می‌گذارند.

۲. جهت‌ها در «روابط انسانی»، سبب تغییر معنادار در گرایش دیگر دوستی می‌گردد.
۳. افراد سرآمد و عادی در گرایش دیگر دوستی با یکدیگر تفاوت دارند.
۴. تحول اخلاقی افراد سرآمد، برحسب افزایش سن، تغییر می‌کند.
۵. افراد سرآمد در زمینه تحول اخلاقی نسبت به افراد عادی برترند.
۶. فردی که از سطح تحول اخلاقی بالاتری برخوردار است، گرایش زیادتری برای کمک به دیگران دارند.
۷. با افزایش نمره هوش، سطح گرایش دیگر دوستی افزایش می‌یابد.

### ○ گروه نمونه

از بین دو نوع جامعه تحقیق دانش‌آموزان دوم راهنمایی، اول و سوم دبیرستان مدارس دولتی و دانش‌آموزان سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان در دو مرکز آموزشی «زینب (س)» و «شهید بهشتی» شهری منتخب سازمان از مناطق ۱۵، ۱۶، ۱۷، تهران، شهرری و ورامین، دو گروه دانش‌آموز عادی (۱۲۰ آزمودنی، ۶۰ پسر و ۶۰ دختر) و سرآمد (۱۲۰ آزمودنی، ۶۰ پسر و ۶۰ دختر) بطور تصادفی انتخاب شدند. البته، باید متذکر شد، در آغاز سعی شده بود به منظور جور کردن دانش‌آموزان سرآمد و عادی، سن و رشته تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی کنترل گردد تا پس از اجرای تست‌ها، دو گروه در چند متغیر دیگر تا حد امکان جور گردند.

### ○ ابزار آزمایشی

ابزارهایی که در این آزمایش بکار گرفته شده‌اند، به ترتیب اجرا عبارتند از:

۱- تست هوش عمومی: این تست فرم «ب» از مقیاس «دو» تست هوشی «کتل» است که در این پژوهش از آن استفاده شد. چون ضرورت‌های عملی ایجاب می‌کرد اجرای یک قسمت بیش از نیم ساعت طول نکشد، صرفاً فرم «ب» آن تست بکار برده شد، تا این مهم امکان پذیر گردد. بنابراین، نوجوان سرآمد در این پژوهش به کسی اطلاق می‌گردد که در این تست بهره هوش بالاتر از ۱۲۰ داشته باشد.

۲- تست تحول اخلاقی: این تست در سال ۱۹۸۱ توسط «ما» به منظور اندازه‌گیری جهت‌گیری دیگر دوستی و قضاوت اخلاقی ساخته شده است. در این پژوهش، از فرم «ب» این تست استفاده گردیده است. در تست تحول اخلاقی، سه معمای اخلاقی با سه موقعیت مختلف وجود دارند. اول معمای «سارق جوان» دوم «آزادی بیان» و سوم «سرقت بانک». در نهایت باید گفت که هر معمای این تست، با یک ردیف پرسش به صورت قسمت اول و دوم تقسیم گردیده است. قسمت اول، جهت‌گیری دیگر دوستانه را مورد سنجش قرار می‌دهد که مبین سطح گرایش عاطفی فرد است و در یک مقیاس پنج درجه‌ای از «کاملاً بله» تا «کاملاً نه» دامنه دارد. قسمت دوم سؤال‌های این تست سطح استدلال اخلاقی فرد را می‌سنجد. آزمودنی باید به جملات این قسمت که در یک مقیاس پنج درجه‌ای از «خیلی مهم» تا «بی‌اهمیت» قرار دارند، پاسخ دهد.

۳- فهرست وضعیت شخصی، پایه تحصیلی، سال و ماه تولد، سن و جنس و سؤال‌هایی در مورد خصوصیات والدین آزمودنی که به منظور جور کردن دو گروه سرآمد تهیه گردیده است.

### ● بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به فرضیه‌هایی که در این پژوهش طرح شده‌اند، از آزمون  $t$  جهت بررسی تفاوت میانگین‌های دو گروه مستقل استفاده شده است. همچنین سعی شده است تا از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه جهت مقایسه دو یا بیش از دو میانگین استفاده گردد. افزون بر این برای آزمون همبستگی دو متغیر، روش معنادار پیرسن بکار بسته شده است با این حال، این پژوهش به نتایج پر

ارزشی منتهی گردیده است که در سطور بعد آنها را مورد بحث قرار می‌دهیم.

### ○ یافته‌های تحول اخلاقی

یکی از یافته‌های این پژوهش، وجود تفاوت بین سنین مختلف از لحاظ تحول اخلاقی است. البته باید خاطر نشان ساخت که تفاوت سنین مختلف از لحاظ تحول اخلاقی فقط در افراد سرآمد معنادار شده است ( $p < 0/01$ ). اما در افراد عادی با وجود روند افزایش سطح تحول اخلاقی براساس سن، تفاوت معنادار مشاهده نشده است. یافته‌ای که با پژوهش‌های متعدد (هاروور، ۱۹۳۴؛ جانسن، ۱۹۶۲؛ به نقل از لی، ۱۹۷۱) درباره همگرایی بین سطح تحول اخلاقی و افزایش سن یکسو هستند. با این وجود، یک تبیین اساسی برای عدم وجود تفاوت معنادار در افراد عادی از لحاظ تحول اخلاقی این است که به نظر می‌رسد، آنها به سبب ضعف در عملکرد، تصمیم‌گیری و حل مسائل گروهی و نیز اعتماد به نفس پایین در گروه‌های اجتماعی کمتر شرکت می‌کنند. چه در یکی از آخرین پژوهش‌ها (فینگر و دیگران، ۱۹۹۲) نشان داده شده است که حتی بعد از نوجوانی، یعنی با آغاز جوانی نیز سطح استدلال اخلاقی دستخوش تغییر می‌گردد. تغییری که از میزان شرکت در فعالیت‌های فوق برنامه و گروهی ناشی می‌گردد.

جدول ۱- میانگین شاخص‌های تحول اخلاقی، روابط انسانی، دیگر دوستی و هوش به تفکیک پایه تحصیلی، سن و جنس در گروه نمونه عادی.

شاخص	دوم راهنمایی			اول دبیرستان			سوم دبیرستان		
	دختر	پسر	کل افراد	دختر	پسر	کل افراد	دختر	پسر	کل افراد
	تعداد= ۲۰	تعداد= ۲۰	تعداد= ۴۰	تعداد= ۲۰	تعداد= ۲۰	تعداد= ۴۰	تعداد= ۲۰	تعداد= ۲۰	تعداد= ۴۰
تفاوت اخلاقی TJ	-۰/۰۸	-۰/۱۴	-۰/۱۱	۰/۱۰۴	-۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۱۹	۰/۱
هوش G	۲۷/۸۵	۲۷/۴۴	۲۷/۷	۲۹/۱۵	۲۵/۷	۲۷/۴۲	۳۰/۵۵	۳۰/۲	۳۰/۳۷
روابط انسانی RB <sub>۱</sub>	۴/۴۲	۴/۳	۴/۳۶	۴/۶۷	۴/۶۵	۴/۶۶	۴/۷	۴/۷۷	۴/۷۳
RB <sub>۲</sub>	۴/۳	۴/۳۵	۴/۳۲	۴/۵	۴/۷۵	۴/۶۲	۴/۲۵	۴/۳	۴/۲۷
RB <sub>۳</sub>	۳/۷	۳/۸۵	۳/۷۷	۳/۶۵	۳/۷	۳/۶۷	۳/۶۵	۴/۱	۳/۸۷
RB <sub>۴</sub>	۴/۲۶	۴/۱۴	۴/۱۸	۳/۸۵	۴/۰۷	۳/۹۶	۳/۲۶	۳/۴۸	۳/۳۷
RB <sub>۵</sub>	۳/۸۵	۲/۸۵	۳/۳۵	۲/۸۵	۲/۹	۲/۸۷	۲/۹۵	۳/۴۵	۳/۲
RBT	۴/۰۸	۳/۹۳	۴/۰۱	۳/۸۵	۴/۰۱	۳/۹۳	۳/۷۸	۴/۰۵	۳/۹۱
فداکاری RD <sub>۱</sub>	۴/۱	۴/۲۲	۴/۱۶	۴/۲	۴/۳۵	۴/۲۷	۳/۹۲	۴/۶۵	۴/۶۶
RD <sub>۲</sub>	۳/۹	۴/۳	۴/۱	۴/۳۵	۳/۸	۴/۰۷	۳/۹۵	۴	۳/۹۷
RD <sub>۳</sub>	۳/۸	۴/۱	۳/۹۵	۳/۸	۴	۳/۹	۳/۵	۳/۶۵	۳/۵۷
RD <sub>۴</sub>	۳/۸۵	۳/۹	۳/۸۷	۳/۹۵	۳/۶	۳/۷۷	۳/۵۵	۳/۹	۴/۷۲
RD <sub>۵</sub>	۳/۸	۴/۱	۳/۹۵	۴/۵	۴/۲	۴/۳۵	۴/۱۵	۴/۳	۲/۲۲
RDT	۳/۹۱	۴/۱۱	۴/۰۱	۴/۱۷	۳/۹۸	۴/۰۷	۳/۱۸	۳/۹۹	۳/۹
دیگر دوستی RE <sub>۱</sub>	۳/۰۲	۳/۳۵	۳/۱۸	۳/۲	۳/۱	۳/۱۵	۳/۵۲	۳/۷۷	۳/۶۴
RE <sub>۲</sub>	۳/۰۲	۲/۹۷	۲/۹۹	۳/۱۲	۳/۱۵	۳/۱۳	۳/۱۵	۳/۵	۳/۳۲
RE <sub>۳</sub>	۲/۸۵	۳/۰۲	۳/۹۳	۲/۸۷	۲/۸	۲/۸۳	۳/۰۲	۳/۳۷	۳/۱۹
RE <sub>۴</sub>	۳/۱۵	۲/۷۲	۲/۹۳	۲/۵	۲/۸۵	۲/۶۷	۲/۷۷	۳/۰۷	۲/۹۲
RET	۳/۰۲	۲/۹۶	۲/۹۹	۲/۸۸	۲/۹۶	۲/۹۲	۳/۱۲	۳/۴۴	۳/۲۸

دیگر یافته این تحقیق، وضع برتر افراد سرآمد در مقایسه با افراد عادی از لحاظ تحول اخلاقی است. (جدول دو ملاحظه شود). این برتری تنها در دختران سرآمد با ( $p < /0.05$ ). در واقع در پاره ای از پژوهش‌ها (هافمن، ۱۹۷۰) به این نکته اشاره شده است که بین هوش و مراحل تحول اخلاقی ارتباط وجود دارد.

اما در اینجا، باید متذکر شد که چنین ارتباطی مبین ترازوی تحول اخلاقی و بهره هوش نیست، بلکه می‌توان گفت افرادی که از بهره هوش بالاتری برخوردارند، در مقایسه با آنهایی که بهره هوش پایین تری از متوسط یا متوسط برخوردارند، مراحل استدلال اخلاقی را سریع تر پشت سر می‌گذارند.

جدول ۲- میانگین شاخص های تحول اخلاقی، روابط انسانی، دیگر دوستی و هوش به تفکیک پایه تحصیلی، سن و جنس در گروه نمونه سرآمد.

شاخص	دوم راهنمایی			اول دبیرستان			سوم دبیرستان		
	دختر	پسر	کل افراد	دختر	پسر	کل افراد	دختر	پسر	کل افراد
تفاضل اخلاقی	۰/۰۱	-۰/۱۲	-۰/۰۵	۰/۲۷	۰/۱۳	۰/۲	۰/۱۸	۰/۰۳	۰/۱۰
هوش	۳۵/۱	۳۸/۵۵	۳۶/۸۲	۳۶/۹	۳۸/۳	۳۷/۶	۴۰/۰۵	۴۰/۳	۴۰/۱۷
روابط انسانی	RB <sub>۱</sub>	۴/۵۵	۴/۲	۴/۳۷	۴/۷۵	۴/۶۶	۴/۷۲	۴/۵	۴/۶۱
	RB <sub>۲</sub>	۴/۸	۴/۲۵	۴/۳۲	۴/۴	۴/۶۲	۴/۵۵	۴/۴	۴/۴۷
	RB <sub>۳</sub>	۴	۳/۹۵	۳/۹۷	۳/۶	۳/۷	۳/۶۷	۳/۸	۳/۸۷
	RB <sub>۴</sub>	۳/۹	۳/۵۴	۳/۷۲	۳/۴۸	۴/۰۷	۳/۹۶	۳/۴۰	۳/۶۵
	RB <sub>۵</sub>	۳/۲	۲/۸۵	۳/۰۲	۳/۲	۳/۷	۳/۴۵	۳/۳	۳/۱۷
	RBT	۴/۰۷	۳/۷۷	۳/۹۲	۳/۸۷	۴/۳۸	۴/۱۲	۳/۹۶	۳/۹۷
فداکاری	RD <sub>۱</sub>	۴/۱۲	۴/۴۲	۴/۲۷	۳/۹۷	۴/۰۱	۳/۸۷	۴/۲۷	۴/۰۷
	RD <sub>۲</sub>	۳/۹۵	۴/۴	۴/۱۷	۳/۹	۴/۳	۴/۱	۳/۸	۳/۹
	RD <sub>۳</sub>	۴/۵۵	۴/۳۵	۴/۴۵	۳/۹۵	۳/۹۵	۳/۹۵	۳/۵۵	۳/۷
	RD <sub>۴</sub>	۴/۳	۴/۱	۴/۲	۳/۷۵	۳/۶۵	۳/۷	۳/۴	۳/۳۷
	RD <sub>۵</sub>	۴/۱۵	۴/۶۵	۴/۴	۴/۵	۴/۴۵	۴/۴۷	۴/۴	۴/۲۱
	RDT	۴/۲۰	۴/۳۷	۴/۲۸	۳/۹۷	۳/۹۷	۳/۹۷	۳/۸۵	۳/۸۷
دیگر دوستی	RE <sub>۱</sub>	۳/۳۵	۳/۳۲	۳/۳۳	۳/۳۷	۳/۳۳	۳/۵۲	۳/۷۵	۳/۶۳
	RE <sub>۲</sub>	۳/۲	۳/۰۷	۳/۱۳	۳/۰۷	۳/۲۲	۳/۱۲	۳/۶۲	۳/۳۷
	RE <sub>۳</sub>	۳/۰۲	۲/۸	۲/۹۱	۲/۹	۳/۱۷	۳/۰۳	۲/۹۵	۳/۲
	RE <sub>۴</sub>	۳/۰۲	۳/۵۷	۲/۸	۲/۶۲	۲/۹۲	۳/۷۷	۲/۸	۳/۰۸
	RET	۳/۱۶	۲/۹۶	۳/۰۶	۲/۹۹	۳/۱۹	۳/۰۹	۳/۰۹	۳/۳۱

### ○ یافته‌های دیگر دوستی

تأثیر موقعیت‌های مختلف بر سطح گرایش دیگر دوستی، یکی از یافته‌های این پژوهش است. ( $p < /0.01$ ). محققان زیادی بر این نکته اتفاق نظر دارند که موقعیت‌های مختلف، سطح گرایش دیگر دوستی را متحول می‌کنند. «ما» (۱۹۹۳) معتقد است که موقعیت‌ها که مستلزم نوع خاصی از دیگر دوستی اند، به عنوان یک اهرم اصلی سطح گرایش دیگر دوستی را دگرگون می‌سازند.

یافته دیگر این پژوهش، این است که جهت گرایش دیگر دوستانه، یعنی روابط انسانی سطح گرایش دیگر دوستی را بطور معنادار متاثر می‌کند ( $p < /0.01$ ). به بیان دیگر روابط انسانی با یک روند کاهش محسوس بر اساس سلسله مراتب روابط انسانی است. یافته ای که با نتایج پژوهش‌های مختلف (باراش، ۱۹۷۷؛ کارتر، ۱۹۸۰؛ به نقل از «ما» ۱۹۹۲) همگرایی دارد. با این همه، به نظر می‌رسد که دو متغیر موقعیت و روابط انسانی که دیگر دوستی را متاثر کرده اند، در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند. چه در پژوهش‌های مختلف نشان داده شده است که افراد با غریبه‌ها در موقعیت‌هایی مختلف، یکسان رفتار می‌کنند، اما در برابر دوستان و نزدیکان گرایش‌های دیگر دوستانه و متفاوتی از خود نشان می‌دهند. یک تبیین اساسی برای تاثیر روابط انسانی بر سطح

گرایش دیگر دوستی، این است که افراد نسبت به خصایص و ویژگیهای روانی بستگان و دوستان آگاهی بیشتری دارند. به عبارت دیگر با توجه به آگاهی که افراد از وضع روانی دوستان و بستگان خود در هنگام استیصال دارند، بهتر و بیشتر نسبت به آنها گرایش دیگر دوستی نشان می‌دهند.

در این پژوهش نشان داده شده است که نمره هوش و گرایش دیگر دوستی در ارتباط مثبت و معنادار هستند. به عبارت دیگر با بالا رفتن نمره هوش، سطح گرایش دیگر دوستی نیز افزایش می‌یابد ( $p < 0/05$ ). در این راستا، یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش، وضع برتر افراد سرآمد در مقایسه با افراد عادی از لحاظ گرایش دیگر دوستی است. براساس پژوهش راشتون (۱۹۸۰)، که از ارتباط مثبت بین نمره هوش و دیگر دوستی سخن به میان آمده است، تحقیق هریس (۱۹۷۶) از یکسو و پژوهش «ما» (۱۹۹۳) از سوی دیگر نشان داده اند که بین هوش و سطح گرایش دیگر دوستی ارتباط وجود دارد. پس به نظر می‌رسد، که هوش بالا با افزایش درک واقعیت و احساسات دیگران و توانایی باین احساسات نسبت به دیگران توأم باشد. بالاخره، آخرین یافته این تحقیق آن است که فردی که از سطح تحول اخلاقی بالاتری برخوردار است، گرایش زیادتری برای کمک به دیگران از خود نشان می‌دهد.

این یافته با نتایج پژوهش‌های متعددی (ما، ۱۹۸۹، هریس، مایسن و راترفورد، ۱۹۷۶) در مورد ارتباط مثبت تحول اخلاقی و گرایش دیگر دوستی همگرایی دارد. اما باید متذکر شد که براساس یافته‌های این پژوهش‌ها، دو متغیر اساسی، یکی جهت روابط انسانی بین کمک کننده و دریافت کننده کمک و دیگری موقعیت‌ها، ارتباط تحول اخلاقی و گرایش دیگر دوستانه را متحول می‌سازند. افزون بر این، متغیر دیگری، یعنی نوع فداکاری به خاطر دیگران، نیز سطح گرایش دیگر دوستی را متاثر می‌کند. جدولهای یک تا سه میانگین شاخص های تحول اخلاقی، روابط انسانی، دیگر دوستی و هوش را در دو گروه «سرآمد» و «عادی» نشان می‌دهند.

جدول ۳- میانگین شاخص های تحول اخلاقی، روابط انسانی، دیگر دوستی و هوش به تفکیک پایه تحصیلی، سن و جنس در گروه نمونه سرآمد و عادی.

شاخص	سرآمد			عادی		
	دختر	پسر	کل افراد	دختر	پسر	کل افراد
قضایات اخلاقی	۰/۱۵	۰/۰۱	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱
هوش	۳۷/۳۵	۳۹/۰۵	۳۸/۲	۲۷/۸۱	۲۸/۴۹	۲۹/۱۸
روابط انسانی	RB <sub>۱</sub>	۴/۶۷	۴/۵	۴/۵۸	۴/۵۷	۴/۵۹
	RB <sub>۲</sub>	۴/۵۸	۴/۴۸	۴/۵۳	۴/۴۶	۴/۴۰
	RB <sub>۳</sub>	۳/۸	۴/۰۱	۳/۹۰	۳/۸۸	۳/۸۷
	RB <sub>۴</sub>	۳/۵۹	۳/۹۴	۳/۷۶	۳/۸۸	۳/۸۳
	RB <sub>۵</sub>	۳/۲۳	۳/۲۵	۳/۲۴	۳/۰۶	۳/۱۳
	RB <sub>۶</sub>	۳/۹۶	۴/۰۴	۴	۳/۹۹	۳/۹۴
فداکاری	RD <sub>۱</sub>	۳/۹۸	۴/۲۴	۴/۱۱	۴/۲۱	۴/۱۴
	RD <sub>۲</sub>	۳/۹۵	۴/۱۷	۴/۰۹	۴/۰۳	۴/۰۴
	RD <sub>۳</sub>	۴/۰۱	۴/۰۵	۴/۰۳	۳/۹۱	۳/۸
	RD <sub>۴</sub>	۳/۸۱	۳/۷۱	۳/۷۶	۳/۸	۳/۷۹
	RD <sub>۵</sub>	۴/۳۵	۴/۵	۴/۴۲	۴/۲	۴/۱۷
	RD <sub>۶</sub>	۴/۰۱	۴/۰۸	۴/۰۴	۴/۰۳	۳/۹۹
دیگر دوستی	RE <sub>۱</sub>	۳/۴۱	۳/۴۵	۳/۴۳	۳/۴۱	۳/۲۳
	RE <sub>۲</sub>	۳/۱۳	۳/۳۵	۳/۲۴	۳/۲۱	۳/۱۵
	RE <sub>۳</sub>	۲/۹۶	۳/۱۴	۳/۰۵	۳/۰۶	۲/۹۸
	RE <sub>۴</sub>	۲/۸۱	۲/۹۵	۲/۸۸	۲/۸۸	۲/۸۴
	RET	۳/۰۸	۳/۲۲	۳/۱۵	۳/۱۲	۳/۰۶

### ● نتیجه نهایی

در مجموع می‌توان گفت همه این عوامل، یعنی موقعیت‌ها، روابط انسانی، هوش و تحول اخلاقی در گرایش دیگر دوستی اثر

می‌گذارند. این نتیجه به خوبی دو مسئله اساسی تر را روشن می‌نماید :

اولاً اخلاق از سه کنش اساسی بهره برده است، کنش شناختی (قضاوت و پیش بینی نتایج آن)، کنش عاطفی (هم احساسی، همدردی و دیگر دوستی) و کنش اجتماعی (نوع و جهت روابط با دیگران)، بنابراین وحدت این سه کنش در یک راستا، سبب ایجاد رفتار اخلاقی در هر موقعیتی می‌گردد.

ثانیاً اخلاق به همان اندازه که یک مفهوم اجتماعی و فلسفی است و در زندگی اجتماعی معنا می‌یابد از یک مفهوم مذهبی نیز برخوردار است. بنابر این پذیرش این فرض که، سقف آرمان های اخلاقی در تمام فرهنگ ها یکسان است، سخت می‌نماید.

یادداشتها

- |                        |                       |                    |
|------------------------|-----------------------|--------------------|
| ۱- Altruism            | ۲- Bandura,A.         | ۳- Ego             |
| ۴- Finger,W.           | ۵- Harris.S.          | ۶- Hoffman, M. L.  |
| ۷- Human relationships | ۸- Id                 | ۹- Keasy,C.K.      |
| ۱۰- Kurtines.W.M.      | ۱۱- Lee,L.C.          | ۱۲- Ma,H.K.        |
| ۱۳- Mischel,W.         | ۱۴- Moral development | ۱۵- Perry,D. G.    |
| ۱۶- Prosocial          | ۱۷- Rest, J. R.       | ۱۸- Rushton, J. P. |
| ۱۹- Staub, E.          | ۲۰- Super ego.        | ۲۱- Thoma, S. J.   |
| ۲۲- Walker,L.J.        |                       |                    |

